



نگاهی به نخستین جراید فارسی و اولین روزنامه ادواری ایران

● محسن روستایی

آغاز سخن

محققان و پژوهشگران معتقدند که مطبوعات و روزنامه‌های فارسی از هند آغاز شد و بر نخستین جراید فارسی ایران و افغانستان تأثیر گذارد.^۱ اما روزنامه‌های فارسی هند فرزند مستقیم بر نیات اروپایی نبود و تنها پاره‌ای از ویژگی‌های فنی روزنامه‌های آن را کم و بیش تقلید می‌کرد. این روزنامه‌ها، زاده یا شکل تحول یافته اوراق خبری و دست‌نوشته‌هایی به زبان فارسی بودند که به نام «اخبارات» معروف شدند.

اخبارات هم در واقع صورت تحول یافته، واقعه‌نویسی یا واقعه‌نگاری، معمول دربارهای ایران بوده که به مانند بسیاری دیگر از مظاهر فرهنگ ایرانی به هند رفته و آن جا با ویژگی‌های جامعه و امور دیوانی هماهنگ شده است.^۲ اکثر اخبارات بر روی یک صفحه نوشته می‌شد و خط آن شکسته تعلیق و گاهی نستعلیق بوده است. همه خبرهای آن تاریخ دارند اکثر خبرها کوتاه است و حتی برخی از آنها از یک جمله در نمی‌گذرد. نشر اخبارات نشر فارسی اداری متداول در هند، و در مقایسه با زبان آثار ادبی آن سرزمین بسیار بد و گاهی نامفهوم است.^۳

دومین مرحله آغاز مطبوعات روزنامه‌نگاری پس از نشر اخبارات انتشار ستون‌های فارسی با چاپ چوبی (قالبی) و سربی (حروفی) در روزنامه‌های انگلیسی یا چند زبانه هند است. این تجربه علمی، راهگشای انتشار روزنامه‌های سراسر فارسی بعدی شد. در این دوره که از سال ۱۱۹۴ ق. آغاز و تا ۱۲۴۵ ق. ادامه دارد مهمترین روزنامه‌های انگلیسی زبان هند، بخش‌هایی به زبان فارسی اختصاص می‌دادند.

در برابر سهم زبان انگلیسی، سهم فارسی در این روزنامه‌های آغازگر بسیار اندک بود کمتر به یک چهارم سطح روزنامه می‌رسید. لیکن اغلب بر سهم زبان‌های بومی می‌چربید. مردم هند و مقام‌های انگلیسی با وجود کاربرد مخلوط فارسی در محاوره، آن را مهمترین زبان هند می‌دانستند و در دادگاه‌ها و هنگام نگاشتن نامه‌های رسمی با این زبان سروکار داشتند.^۴ نخستین روزنامه‌ای که در جهان، سطح بسیار مختصری از صفحات خود را به زبان فارسی اختصاص داد روزنامه انگلیسی زبان «گازت» بود که به وسیله جیمز هیکیز (هیکی) گازت در ۲۹ ژانویه ۱۷۸۰ میلادی در کلکته و در چاپخانه کمپانی هند شرقی به چاپ رسید. بخش فارسی این



نخستین روزنامه‌های مستقل فارسی در هند

برخی نوشته‌اند که نخستین روزنامه‌های مستقل فارسی هند روزنامه‌ای است به نام «هندوستانی یا اخبار هندوستانی» و آن به سال ۱۲۲۵ ق / ۱۸۱۰ م. در کلکته انتشار یافته و ناشرش «مولوی اکرام علی» نام داشت. آگاهی‌های ما درباره این روزنامه به همین جا ختم می‌شود زیرا نه تنها نسخه‌ای از هندوستانی در دست نیست بل منابعی نیز که درباره آن سخن رانده‌اند بسیار اندکند و توضیحی علاوه بر اشاره به انتشار آن در برنارند.^۴

مرآت‌الآخبار

دومین و یا بهتر بگوییم اولین روزنامه رسمی سراسر فارسی هند روزنامه هفتگی مرآت‌الآخبار است که در کلکته از بیستم آوریل ۱۸۲۲ تا اوت ۱۸۲۳ میلادی (۱۲۳۲ تا ۱۲۳۸ ق) روزهای جمعه منتشر شده است. افزون بر پیشگامی، اهمیت مرآت‌الآخبار به ویژه‌ناشی از شخصیت ناشر، مدیر و نویسنده آن «رام موهن رای» دانشمند مصلح معروف مذهب و پایه‌گذار آموزش و پرورش نوین در هند است. وی مؤسس نخستین مدرسه به سبک اروپایی در آن کشور بود و آرای مذهبی خود را در کتابی فارسی به نام «تحفه‌الموحدین» گردآورد.

جام جهان‌نما

روزنامه دیگری که در همین زمان در کلکته به زبان فارسی منتشر شد جام جهان‌نماست. تاریخ تأسیس این روزنامه سه هفته مقدم بر مرآت‌الآخبار بوده است و از این رو برخی آن را نخستین روزنامه فارسی هند انگاشته‌اند. لیکن از آن جا که این روزنامه در آغاز انتشار فارسی نبود آن را در تاریخ روزنامه‌نگاری فارسی باید پس از مرآت‌الآخبار قرار داد. جام جهان‌نما از تاریخ ۱۲۳۲-۱۲۹۳ ق. یعنی مدت ۵۴ سال روزهای چهارشنبه انتشار یافته و از این رو پرودامترین روزنامه فارسی هند بوده است.

دیگر روزنامه‌ها و جراید

(الف) شمس‌الآخبار: تاریخ نشر ۱۲۳۹ ق / ۱۸۲۳ م. به وسیله هندویی به نام «تهورا موهن مترا» منتشر می‌شده است. شمس‌الآخبار به صورت مجله نشر می‌شد. بدین ترتیب باید آن را نخستین مجله به زبان فارسی قلمداد کرد. عمر این مجله کوتاه بود و در سال ۱۸۲۷ م. از انتشار باز ایستاد.^۵

(ب) اخبار سی راه‌پور: در شهر بنگالی به دست مبلغان مسیحی منتشر و به سال ۱۲۳۳ ق. و دو سال چاپ آن ادامه یافت.

(ج) سماچار سوراج اندرو: سال نشر ۱۲۴۵-۱۲۴۶ ق. به دو زبان فارسی و بنگالی در کلکته منتشر شد. ناشر این روزنامه «شیخ علی ملا» و دبیرش هندویی به نام «چند چتو پادیا» بود و جز این اطلاعی درباره آن در دست نیست.

(د) آئینه اسکندری: به سال ۱۸۳۱ م. مسلمان دیگری به نام «مولوی سراج احصل‌کهنوی»، آئینه اسکندری را در شهر کلکته انتشار داد. این روزنامه خبری با گرایش مذهبی، روزهای دوشنبه منتشر می‌شد و تاریخ

روزنامه تنها آیین‌نامه‌ها و یا احکام دولتی را شامل می‌شد و بدیهی بود که به سبب وابستگی به دستگاه انگلیسی حاکم، منافع بریتانیا را حفظ می‌کردند.

قدم بعدی را ایندیا گزت برداشت. انتشار فرمان‌ها و برخی خبرها به زبان فارسی از این طریق آغاز شد و پس از توقف انتشار هیکی گزت این روزنامه‌ها تنها روزنامه‌ای بود که به زبان انگلیسی در هند منتشر می‌شد و برخی ستون‌های آن به زبان فارسی بود. ایندیا گزت از آوریل ۱۷۸۲ تا مارس ۱۷۸۴ روزنامه منحصر به فرد هندوستان بوده است که در هشت صفحه چهارستونی و گاه ده ستونی چاپ می‌شد.

ایندیا گزت خبرها و فرمان‌های رسمی و همچنین آگهی چاپ می‌کرد و خلاف روزنامه‌های چندزبانه بعدی به کاربرد عنوان (تیترا) برای مطالب فارسی اهمیت می‌داد. روزنامه‌های دیگری که بخشی از ستون و صفحات خود را با خط و زبان فارسی می‌نگاشتند عبارت بودند از: کالکوتا گزت، کالکوتا کرونیل (صاحب‌نشر: استوارت و کوپر) و نیز روزنامه ولد که به تقلید از روزنامه‌های چاپ لندن منتشر می‌شد.^۶

انتشار نخستین شماره‌اش را نمی‌دانیم.

ماه عالم‌افروز: روزنامه خبری - سیاسی بود که انتشار آن از ژوئن ۱۸۳۳ در کلکته آغاز شد و به صورت هفتگی تا ۱۸۴۱ ادامه داشت.

و) آگره اخبار و زبده‌الآخبار: این روزنامه بعدها به زبده‌الآخبار تغییر نام می‌دهد و مدیر آن مسلمانی به نام «منشی واجدعلی خان» بوده است. (ز) اخبار لودیانه: ناشر این روزنامه هیأت آمریکایی بود و شخصی به نام «هاجز» سرگیری آن را برعهده داشت. ولی روزنامه تنها به انتشار خبر می‌پرداخت و با وجود تعلقش به یک هیأت مذهبی آمریکایی بلندگویی استعمار انگلیس بود.

ح) سلطان‌الآخبار: این روزنامه در کلکته چاپ می‌شد و به دلیری و بیگانه ستیزی نامبردار گردید و بیش از هر روزنامه‌ای در زمان خود اثرهای شوم استعمار را برشمرد. سال نشر آن ۱۲۵۲-۱۲۷۴ ق. روزهای یکشنبه بوده است.^۸

به هر حال جرابدی که در آغاز و ادامه مقاله ارائه و معرفی شد بخشی از اصلی‌ترین روزنامه‌های فارسی زبان هند بوده‌اند و تحقیقات انجام شده به طور یقین این مطبوعات را بر نشریات فارسی چاپ ایران فضل تقدم داده‌اند. اما هنوز فهرست کاملی از روزنامه‌های فارسی چاپ هندوستان منتشر نشده و این امر به طور حتم نیاز به تفحص و پژوهش بیشتری دارد.

اولین روزنامه در ایران

در سال ۱۲۳۰ ق/ ۱۸۱۵ م. عباس میرزا نایب‌السلطنه پنج تن از محصلان ایرانی را برای تحصیل در رشته‌های مختلف به انگلستان اعزام کرد.^۹ از جمله میرزا صالح شیرازی (فرزند حاجی باقر کازرونی) جزو آنان بود که براساس اسناد موجود او را به عنوان بنیانگذار نخستین نشریه انواری چاپی در ایران به شمار می‌آورند. میرزا صالح در مدت اقامت خود در انگلستان علاوه بر آموختن زبان انگلیسی و فرانسه (و حکمت طبیعی)، فنون چاپ، تهیه حروفه حکاکی و نحوه ساختن مرکب چاپ را فراگرفت^{۱۰} و در زمینه روزنامه‌نگاری مطالعه و تحقیق کرد.^{۱۱} وی در اواخر اقامت خود در لندن از طریق همان استادی که فنون چاپ را به وی آموخته بود یک دستگاه ماشین چاپ کوچک با لوازم خریداری نمود و پس از سه سال و نه ماه و بیست روز به ایران بازگشت. نامبرده ماشین چاپ سربی را که با خود به همراه آورده بود در تبریز مستقر کرد و از آن پس کار خود را آغاز کرد.^{۱۲}

اما چون شرایط نوعی رقم خورد که خودش مشغله زیاد داشت و جنبه اعیان بودن پینا کرده بود میرزا جعفر نامی را برای اداره امور چاپخانه تعیین نمود و بعد از آن که میرزا صالح وزیر (= حاکم) تهران شد میرزا اسدالله نامی را از اهل فارس برای یاد گرفتن صنعت چاپ به پترزبورگ فرستاد.^{۱۳} و مشارالیه پس از مراجعت در تبریز به دستیاری آقارضا (پدر مشهدی اسدآقا) مطبعه سنگی (لیتوگرافی) تاسیس نمود و اولین نسخه‌ای که در آن مطبعه چاپ شد قرآن مجید بود به خط میرزا حسین خوشنویس معروف.^{۱۴} به امر حکومت وقت این چاپخانه را میرزا اسدالله و آقارضا و دیگران از تبریز به تهران منتقل کردند.^{۱۵}

از آن جایی که در همه جای دنیا روزنامه مایه دگرگونی اجتماعی شده بود و برای آشنا کردن مردم به اندیشه‌های تازه و مسائل اجتماعی

حیاتی به نظر می‌رسید.^{۱۶} میرزا صالح نیز مقدمات چاپ و نشر نخستین نشریه انواری چاپی ایران را فراهم کرد.^{۱۷} و البته در ابتدای عصر قاجار تا چندی به روزنامه‌های خارجی کاغذ اخبار یا گزات (Gazett) می‌گفتند.^{۱۸} از این رو میرزا صالح نیز روزنامه خود را «کاغذ اخبار» می‌نامید که ترجمه تحت‌اللفظی آن در زبان انگلیسی نیوزپیپر (News Paper) است. ولی لفظ روزنامه پیش از آن نیز در ادب و زبان فارسی به معنای دفتر روزنامه یا کارنامه اعمال بود^{۱۹} و بعدها که روزنامه در ایران منتشر شد این نام را بدان دادند و رفته رفته مفاد و معنای نخستین از میان رفت و به معنی روزنامه مشهور گردید^{۲۰} و به نوشته سعید نفیسی این روزنامه (کاغذ اخبار) ظاهراً اسم خاصی نداشته است.^{۲۱}

اما میرزا صالح پیش از آن که به انتشار روزنامه بپردازد مبادرت به انتشار طلیعه کاغذ اخبار و به اصطلاح امروز فوق‌العاده^{۲۲} یا اعلامنامه نمود. که تاریخ انتشار آن روز دوشنبه ۲۵ محرم‌الحرام ۱۲۵۳ ق. می‌باشد.^{۲۳} در طلیعه مطالب مفصلی در لزوم تربیت مردم از طریق آگاه کردن آنان بیان شده است: سپس شرحی از توجه محممشاه به مردم، خاصه مردمی که در راه ترقی کشور و بی‌نیازی مملکت از محصولات فرنگی و ایجاد کارخانه و کارگاهها می‌کوشند، به میان آمده است. اینک به قسمتی از آن می‌پردازیم:

[اعلامنامه - ۱۲۵۳ ق.]

«اعلامنامه‌ای است که به جهت استحضار ساکنین ممالک محروسه ایران قلمی و تذکره می‌نماید. بر رای صوابنمای ساکنین ممالک محروسه مخفی نماند که همت ملوکانه اولیای دولت علیه مصروف بر این گشته است که ساکنین ممالک محروسه تربیت شوند و از آن جا که اعظم تربیت آگاه ساختن از کار جهان است. لهذا به حسب حکم شاهنشاهی کاغذ اخباری مشتمل بر اخبار شرقیه و غربیه در دارالطباعه ثبت و به اطراف و انکاف فرستاده خواهد شد...»^{۲۴}

این طلیعه در دو برگ منتشر شده و دیگر نمی‌دانیم که طلیعه یا فوق‌العاده دیگری هم منتشر گردیده یا نه؟ ولی سه ماه بعد روزنامه میرزا صالح منتشر شده و این نخستین روزنامه‌ای است که به زبان فارسی و در خاک ایران انتشار یافته است.^{۲۵} و از نظر شکل، محتوا و موضوع این روزنامه دولتی بوده و فاصله انتشار آن ماهیانه بوده و چنانکه گفته شد توسط میرزا صالح شیرازی به قطع یک ورق بزرگ از کاغذ خانباغ و چاپ آن عالی نبود.^{۲۶} یک روی آن سفید و با چاپ سنگی انتشار می‌یافته و در روی دیگر بعد از ذکر عبارت «در دارالخلافة تهران انطباع یافته» وقایع شهر تهران و شهرستانها و آناتولی و ارمن... چاپ می‌شده است.^{۲۷} صاحب کتاب تاریخ جرابید و مجلات ایران می‌نویسد: «مجموع سطور آن با عنوان مقالات ۲۱۷ سطر است.»^{۲۸}

علی مشیری دو شماره دیگر از این روزنامه را که به نشانی O.P. ۲ (۱۳) در کتابخانه موزه بریتانیا ضبط است دیده و مشخصات آن را ضمن مقاله‌ای که در مجله سخن انتشار داد، چنین آورده است:

«این روزنامه به قطع ۴۰ سانتیمتر طول ۲۴ سانتیمتر عرض در دو صفحه یا خط نسخ در تیرها و خط نستعلیق در متن، با چاپ سنگی، بدون نام و عنوان چاپ می‌گردید. صفحه اول به «اخبار ممالک شرقیه» و صفحه دوم به «اخبار ممالک غربیه» تخصیص یافته بود و در بالای

صفحه در وسط، علامت شیر و خورشید با قطر ۵ در ۵ سانتیمتر و در زیر آن به اندازه دو سانتیمتر سمت راست یا خط نسخ چنین نوشته و اخبار شهر ربیع‌الثانی سنه ۱۲۵۳ ق. در سمت چپ باز با خط نسخ نوشته شده که به دارالخلافه تهران سمت انطباع یافته.^{۲۶}

از کاغذ اخبار یا نخستین روزنامه‌ای که در ایران منتشر گردیده تاکنون متن کامل سه شماره به دست آمده که یک نسخه بصورت رونوشت از شماره محرم سال ۱۲۵۳ ق. در مجله سلطنتی آسیایی لندن و دو نسخه اصلی از شماره‌های ربیع‌الثانی و جمادی‌الاول سال ۱۲۵۳ ق. در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود.^{۲۷}

این دو شماره روزنامه بوسیله چارلس سوندت نامی به انگلستان فرستاده شده و تنها علتی که برای وجود این دو شماره تقریباً منحصر به فرد در کتابخانه موزه بریتانیا به نظر می‌رسد خبری است که در یکی از آنها درباره تاجگذاری ملکه ویکتوریا درج شده است. احتمال دارد فرستنده یکی از مامورین سیاسی دولت انگلیس در دربار ایران بوده و این دو شماره را در همان تاریخ برای دولت خود فرستاده است.^{۲۸}

این روزنامه به چه بهایی به فروش می‌رسیده و آبونمان سالیانه آن چقدر بوده و آیا اصلاً بهایی داشته است یا خیر روشن نیست. تعداد شماره‌هایی که به چاپ می‌رسیده و یا به عبارت دیگر تیراژ آن چقدر بوده نمی‌دانیم. این قلم می‌دانیم که صفحات سنگی به سرعت ساییده می‌شده و بیش از هفتصد الی هزار شماره را نمی‌توانسته است تحمل کند. بر مبنای حدس و گمان تیراژ آن بین پانصد تا ششصد نسخه بوده است.

روزنامه میرزا صالح جریده‌ای پرمحتوا و پرمطلب بوده و از این حیث اگر از جراید امروز جلوتر نبوده عقب‌تر نبوده است. و باز هم بر ما مشخص نیست که محرر و مترجم روزنامه چه کس و یا کسانی بوده‌اند. آنچه مسلم است خود میرزا صالح در تحریر و تنظیم مطالب دخالت چندانی نداشته و همکاری داشته است که آنها را نمی‌شناسیم. زیرا بعضی اخبار آن به سبک قائم‌مقام فراهانی انشا می‌شده و مستبعد بنظر می‌رسد که میرزا صالح تحصیل کرده انگلستان آن چنان بر انشای روز عربی و فارسی مسلط شده باشد که بتواند به سبک قائم‌مقام و به زیبایی او چیز بنویسد.^{۲۹} در مجله انجمن آسیایی انگلیس هم تصریح شده که روزنامه «در تحت مدیریت میرزا صالح دایر شده» و مشارالیه یکی از وزرای اعلیحضرت شاه است.^{۳۰}

اینکه این نشریه تا چه سالی چاپ و منتشر می‌شده است دقیقاً مشخص نیست اما به استاد سفرنامه‌های اشخاصی که در آن سالها در ایران بوده‌اند و نوشته‌های بعضی از مورخان این روزنامه حداقل سه سال منتشر شده است^{۳۱} و زمینی «برزین» شرق‌شناس روسی در ذیحجه ۱۲۵۸ ق. به تهران آمده روزنامه میرزا صالح تعطیل شده بود و بانی آن به عنوان «محصل» برانهای دیوانی، روزگار می‌گزراند. برزین در این باره می‌نویسد:

«فرهنگ و ادبیات از حمایت مخصوص محمدشاه برخوردار نبود، چنانکه انتشار روزنامه منحصر به فردی که در تهران طبع می‌شد قطع گردید نویسنده آن میرزا صالح در تهران بدون هیچ کاری بسر می‌کرد و شغلش جمع‌آوری پول برات بود.»^{۳۲}

اما در مورد چاپخانه میرزا صالح تا روز یکشنبه هجدهم جمادی‌الآخر سنه ۱۲۵۴ ق. که قوای ایران از اطراف هرات به ایران بازگشتند و دستور طبع اعلامیه‌ای به چاپخانه وی داده شده دایر بوده است:

«اعلان»

«حکم به میرزا صالح مهندس شیرازی که صاحب اختیار باسمه‌خانه بود صادر آمد که نقص عهد انگلیس را به عبارت خوب باسمه زده به بیست و هشت قران و سلاطین نوالقندر روی زمین روانه دارد... و فرمانی نیز به دستخط مبارک تحریر کرده و جناب مستطاب فضیلت‌مآب آفتاب سپهر دانش و شیریشه جناب حاجی میرزای آقاسی سلمه‌الله تعالی عن‌الافات نیز از آیات و احادیث در این باب خصایص چند نوشته و آن فرمان دستخط مبارک و تحریر جناب حاجی نیز به میرزا صالح شیرازی مرحمت شد که او را هم باسمه زده به اطراف و اکناف ایران روانه دارد تا ایشان را سررشته عمل شود و آن گفتار گهربار به نحوی که به رشته بیان منتظم شد به عینه مسطور گردید.»^{۳۳}

بدین ترتیب از این دوران تا احیای مجدد روزنامه در ایران چهارده سال طول کشید. در سومین سفر ناصرالدین شاه قاجار در زمان صدارت میرزاتقی خان امیرکبیر با توجه به اقدامات اساسی این مرد باتدبیر در اشاعه فرهنگ و اصلاح امور کشور، تاسیس روزنامه بصورتی که در کشورهای اروپایی مرسوم بود، برای نشر اخبار و گزارشهای مهم مورد استفاده قرار گرفت.^{۳۴}

جمعه پنج ربیع‌الثانی سال ۱۲۶۷ ق. نخستین شماره روزنامه‌ای با نام روزنامه «اخبار دارالخلافه طهران» انتشار یافت و در عنوان آن جمله: «یا اسلله انقلاب» و شیر و خورشید رقم شده و در طرفین آن صورت دو درخت کشیده و در وسط ورق (روزنامه اخبار دارالخلافه) نوشته شده و در زیر آن دستخطی از ناصرالدین شاه بدین مضمون چاپ کرده‌اند: «از آن جایی که همت حضرت اقدس شاهنشاهی مصروف تربیت اهل ایران و استحضار و آگاهی آنها از امورات داخله و وقایع خارجه است لهذا قرار شد که هفته به هفته احکام همایون و اخبار داخله مملکتی و غیره را که در دول دیگر کارت می‌نمایند. در دارالطباعه دولتی زده شود. در یوم جمعه پنجم شهر ربیع‌الثانی ایتئیل ۱۲۶۷ ق. به این کار شروع شد.»^{۳۵}

این روزنامه از شماره دوم به اسم «روزنامه وقایع اتفاقیه»^{۳۶} در هر هفته تا شماره شانزدهم مورخ ۲۱ شهر رجب ۱۲۶۷ ق. روزهای جمعه و از آن به بعد روزهای پنجشنبه مرتباً در چهار صفحه و گاهی در ۶ و ۸ صفحه انتشار یافته و از این تاریخ تا سنه ۱۲۲۴ ق. پنجاه و هفت سال بلاقطع و فصل انتشار یافته است.^{۳۷} شماره ۴۷۱ به اسم روزنامه (یوم پنجشنبه ۲۶ شهر محرم مطابق سال پیچی نیل سنه ۱۲۷۷ ق.) و شماره ۴۷۲ به نام «روزنامه دولت علیه ایران» تحت نظر ابوالحسن خان غفاری ملقب به صنیع‌الاوله، منتشر گردید.^{۳۸}

در اوایل سال ۱۲۸۸ ق. در سلطنت ناصرالدین شاه به نام «ایران» تغییر عنوان داد و به ترتیب محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، محمدباقرخان ادیب و میرزا محمد ندیم‌باشی (ندیم‌السلطان) مدیریت و اداره روزنامه ایران را به‌عهده داشتند. سپس در سال ۱۳۳۱ ق. برای مدت کوتاهی به نام «ایران سلطانی»^{۳۹} انتشار یافت ولی سبک و روش سابق

ادامه داشت. ^{۳۳} سرانجام در سال ۱۳۳۳ ق. بار دیگر عنوان این روزنامه به «ایران» مبدل شد و با کمک هزینه از دولت بعنوان روزنامه نیمه رسمی ادامه انتشار داد. مدیرهای این دوره به ترتیب: میرزا سیدحسین اردبیلی، ^{۳۴} میرزا محمدخان ملکزاده و امیرزا اسماعیل خان یگانی بوده‌اند. ^{۳۵}

پانویسها:

- ۱- برای اطلاع بیشتر در این باره، ن. ک: سید فریدقاسمی، راهنمای مطبوعات ایران، عصر قاجار و...، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۲، ص ۱۱.
- ۲- ر. ک: ناصرالدین پروین، تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷، ج اول، ص ۳۹.
- ۳- علی‌اصغر حکمته سرزمین هند، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۲۷، ص ۳۳۱.
- ۴- ناصرالدین پروین، تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان... همان، ص ۴۶ و ۴۷.
- ۵- همان منبع پیشین و نیز ر. ک: سیفیاض محمود و سید وزیر الحسن عابدی، تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و هند پنجوبین جلد فارسی ادب (سوم)، لاهور، پنجاب یونیورسیتی، ۱۹۷۹، ص ۶۱۱.
- ۶- علی‌اصغر حکمته همان، ص ۳۳۱.
- ۷- درباره شمس‌الاجبار، ر. ک: محمدمحیط طباطبایی، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، تهران، بعثت، ۱۳۶۶، ص ۶۱۴-۶۱۵.
- ۸- برای آشنایی و اطلاع بیشتر از جراید مطرح شده، ن. ک: ناصرالدین پروین، همان، ص ۶۲-۶۶.
- ۹- در اصل انتخاب محصلان به عهده میرزا صالح شیرازی بوده است. زیرا وی شخصی به نسبت بان تجربه و آشنا با فرهنگ اروپا و در ضمن از دوستان لیندزی (Major General Sir Henry Betune Lindsay) مشهور به لنزی صاحب (فرمانده و امیرتومان ارتش ایران) و کلنل داری (افسر توپخانه) بوده است. به علاوه او مدتی نیز به عنوان منشی آن دو بوده و کارهای مربوط به آنها را انجام می‌داد. میرزا صالح همراهمان خود را در سفر فرنگ به شرح زیر انتخاب نمود:
- ۱- میرزا رضا صوبه‌دار توپخانه برای تحصیل توپخانه و مهندسی.
- ۲- میرزا جعفر جهت آموختن رشته مهندسی.
- ۳- میرزا جعفر برای فراگیری طب و شیمی.
- ۴- میرزا محمد علی چخماق ساز به منظور یادگرفتن قفل و کلینسازی. (برای آگاهی بیشتر از تحصیل شاگردان اعزامی: ر. ک: احمد هاشمیان، تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه و مدرسه دارالفنون، تهران، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، ۱۳۷۹، ص ۲۳ و ۲۴.
- ۱۰- میرزا صالح در سفرنامه خود شرح ماجرای فراگیری فنون چاپ را چنین بیان می‌کند: «... با خودم اندیشه نمودم که به جز تحصیل اگر توانم چیزی از این ولایت به ایران برم که به کار دولت علیه آید شاید خوب باشد و مدت‌ها بود که خیال بردن چاپ و صنعت باسمه (چاپ) در سر من افتاده بود. چند روز بعد از آن به لندن رفته قولونل خان Joseph Darcy (یا کلنل داری، فرستاده ویژه وزیرمختار انگلیس

به ایران) را دیده کیفیت را به او حالی کردم این مطلب را پسندید و بعد از آن مستردانی نامی که استاد چاپ ساز یعنی مختص (مختصص) آنست که انجیل را در زبان فارسی و هندی و سریانی و عربی و سایر زبانهای غریبه می‌زنند دیده هرروز دو ساعت بنده در کارخانه او رفته من اوله والی آخره چاپ را [آموختم]... هرکس در میانه هفته بنده را وعده می‌خواست عذر می‌آورد. بالجمله همه روزه مستمر آدرس می‌خواندم و به چاپخانه می‌رفتم. (ر. ک: میرزا صالح شیرازی، محمد مجموعه سفرنامه‌های میرزا صالح شیرازی، تصحیح و توضیح از غلامحسین میرزا صالح، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۴، مقدمه: آشنایی ایران با تمدن غربی و پیشروان ترقی جدید ص ۳۱.

- ۱۱- حسین محبوبی اردکانی، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، ج اول، تهران، دانشگاه تهران، ص ۱۷۶.
- ۱۲- ر. ک: سیفیید قاسمی، نخستین کوشش، تهران، خانه مطبوعات، ۱۳۷۲، ص ۹.
- ۱۳- مهدی بامداد شرح حال رجال ایران...، جلد دوم، تهران، زوار، ۱۳۷۱، ص ۱۷۷.
- ۱۴- ن. ک: هفته‌نامه، کاوه، «چاپخانه و روزنامه در ایران»، نمره رمضان سنه ۱۳۳۹، شماره ۵، ص ۱۱.
- ۱۵- محمد استعلامی، بررسی ادبیات امروز ایران، تهران، امیرکبیر، ۲۵۳۶، ص ۳۹-۴۰.
- ۱۶- همان، ص ۴۰.
- ۱۷- سید فرید قاسمی، نخستین کوشش، همان، ص ۹.
- ۱۸- محمدمتقی بهار (ملک‌الشعرا) سبک‌شناسی، جلد سوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹، ص ۴۳۴.
- ۱۹- عبدالحسین نوایی، ایران و جهان (از قاجاریه تا پایان عهد ناصری)، جلد دوم، تهران...، نشر هما، ۱۳۶۹، ص ۴۴۹.
- ۲۰- محمدمتقی بهار...، همان، ص ۴۴۳.
- ۲۱- محمد صدر هاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، اصفهان، کمال، ۱۳۶۳، ص ۳۰۴. و نیز ن. ک: آرشو (س. آ. م. ا)، معارف الفه شماره تنظیم ۵۸۰۰۷-۵۸۰۰۶، پاکت ۳۰۷۶.
- ۲۲- عبدالحسین نوایی، همان، ص ۴۵۰.
- ۲۳- احمد خاتمی، «پیدایش روزنامه و نقش آن در تحولات سیاسی و ادبی»، ماهنامه ادبیات معاصر (ویژه‌نامه مطبوعات)، سال اول، ۱۳۵۷، ص ۶.
- ۲۴- برای اطلاع از متن کامل این اعلامنامه، ر. ک: سیفیید قاسمی، همان، ص ۱۰.
- ۲۵- عبدالحسین نوایی، همان، ص ۴۵۳.
- ۲۶- عباس اقبال، نخستین روزنامه‌های فارسی چاپی در ایران، ماهنامه یادگار، سال اول، شماره ۳، آبان، ۱۳۳۳، ص ۵۰.
- ۲۷- یحیی آربین‌پور، از صبا تا نیما، ج اول، تهران، زوار، ۱۳۷۲، ص ۲۳۶.
- ۲۸- محمد صدر هاشمی، همان، ص ۳۰۴.
- ۲۹- یحیی آربین‌پور، ص ۲۳۶-۲۳۷.

۲۰- ه. ل. رابینو، روزنامه‌های ایران، از آغاز تا سال ۱۳۳۹ ق، ترجمه و تدوین جعفر خماسی‌زاده، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۲، ص ۲۱۰.

۳۱- علی مشیری، اولین روزنامه‌های ایرانی، مجله سخن، دوره ۱۴، شماره ۷، ص ۹-۶.

۳۲- ر. ک: میرزاصالح شیرازی، مجموعه سفرنامه‌های میرزا صالح شیرازی، همان، ص ۲۴-۲۶.

۳۳- یک شماره از این روزنامه که به احتمال قوی شماره اول آن است عیناً در مجله انجمن آسیایی انگلیس (ج ۵ از سال ۱۸۳۹ = ۱۲۵۵ ق) چاپ شده است. در مقدمه‌ای که بر این شماره در آن مجله نوشته شده... و به یک مأموریت سیاسی به انگلستان فرستاده شده بود...».

۳۴- سیف‌فرید قاسمی، همان، ص ۲۱.

۳۵- فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، تهران، خوارزمی، ۱۳۴۲، ص ۳۶۹.

۳۶- علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه، اکسیرالتواریخ... به اهتمام جمشید کیانفر، تهران، ویسمن، ۱۳۷۰، ص ۴۹۸ و ۴۹۹.

۳۷- ه. ل. رابینو، روزنامه‌های ایران از آغاز تا سال ۱۳۳۹ ق، همان، ص ۱۹.

۳۸- ن. ک: روزنامه‌چهار اخبار دارالخلافه طهران، ص ۱، نمره یک روزنامه وقایع اتفاقیه، سنه ۱۲۶۷ ق.

۳۹- روزنامه وقایع اتفاقیه به حکم و تشویق میرزا تقی خان امیرنظام و مدیریت حاج میرزا جبار تذکره‌چی، قنصل [سابق] ایران در بغداد و ملقب به (نظام) ناظم‌المهام و به مباشرت و مترجمی میرزا ابوالحسن خان غفاری نقاش کاشانی ملقب به صنیع‌الملک دایر شد. این روزنامه در مطبعه سنگی به سرکاری و استادی حاج عبدالمحمد در نزدیکی دروازه دولاپ تهران، طبع می‌شده و در دکان میرسیدکاظم بلورفروش، فروخته و محل اداره روزنامه، دفترخانه‌ای در میدان ارگ سلطانی بوده است (ر. ک: محمدصدر هاشمی، تاریخ جراید... همان، ج چهارم، چاپ اول، ۱۳۳۲، ص ۳۳۱).

سبک و سیاق مطالب و مندرجات روزنامه بدین صورت بوده است که مخصوص درج و انتشار اخبار دارالخلافه و شهرهای دیگر ایران و مختصری از اخبار ممالک خارجه بوده است و لذا در طول مدت انتشار کمتر مقاله سیاسی و ادبی و تاریخی در آن دیده می‌شود و بیشتر منظور از تالیس آن همان انتشار اخبار دربار و دارالخلافه تهران بوده است. معمولاً در روزنامه ابتدا به ذکر وقایع دارالخلافه آن هم حوادثی که مربوط به شاه بوده می‌پرداخته از قبیل: شکار شاه، دید بازدیدهایی که از مؤسسات اشخاص درباری داشته و القاب و فرامینی که به اشخاص مختلف داده می‌شد. در مرحله بعدی، روزنامه وقایع اتفاقیه از حوادثی سخن به میان می‌آورد که در شهر تهران رخ داده بود که نقل این اخبار، خالی از تملقات و اغراق‌های بی‌جانیست و خیلی مبالغه‌آمیز بیان شده‌اند. پس از ذکر اخبار دارالخلافه روزنامه به ذکر اخبار سایر ولایات پرداخته و گزارشات و اخبار هر شهری که توسط حاکمین آنان فرستاده می‌شد؛ تحت عنوان آن شهر، درج نموده است. اخبار دول خارجی روزنامه

نیز از روزنامه‌های خارجی ترجمه شده و مترجم و مباشر آن ادوارد برجیس انگلیسی بوده است. این اخبار در عین حال که مختصر است برای مردم آن زمان از حیث اطلاع بر اوضاع کشورهای خارجه بسیار مفید بوده است (ر. ک: محمد صدرهاشمی، تاریخ جراید... همان، چاپ اول، ج چهارم، اصفهان، [راه نجات]، ۱۳۳۲، ص ۳۳۲).

۴۰- ر. ک: جهانگیر صلح‌جو، تاریخ مطبوعات در ایران و جهان، تهران، سیمرخ، ۱۳۴۸، ص ۲۸۲-۲۸۴.

۴۱- ر. ک: محمد اسماعیل رضوانی، بررسی‌های تاریخی، سال دوم، شماره ۱، ص ۳۱۶.

۴۲- روزنامه «ایران سلطانی» در شهر تهران تاسیس و در سال ۱۳۴۱ ق. منتشر شده است. این روزنامه تحت نظر و اداره میرزا محمد ندیم‌السلطان یا ندیم‌باشی که در این تاریخ وزارت انطباعات به عهده او بود؛ انتشار یافته ولی اداره و نویسندگی آن به عهده (افضل‌الملک غلامحسین خان) بوده است. ایران سلطانی به عوض روزنامه ایران منتشر گردید و درحقیقت باعینه‌دار شدن ندیم‌السلطان به وزارت انطباعات، نام روزنامه به ایران سلطانی تبدیل شد. پس از تغییر نام، در محرم ۱۳۲۱ ق. در این شماره شرحی بدین مضمون نوشته است: «ایران سلطانی تحت نظر و با توجه مخصوص اعلیحضرت همایونی انتشار می‌یابد». (ن. ک: محمد صدرهاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، چاپ دوم، ج اول، ص ۳۳۶ و ۳۳۷). و نیز ر. ک: (روزنامه ایران سلطانی، سال پنجم و ششم، شماره‌های یکم و دوم و سیم ۱۳۲۱ ق. شماره‌هایی بودند که نگارنده توانست بعنوان نمونه رویت و توریق نماید).

۳۳- ن. ک: روزنامه ایران، نمره اول، یکشنبه پانزدهم محرم ۱۲۸۸ ق.

۴۴- امتیاز روزنامه ایران در برج میزان سال ۱۳۳۴ ق. به آقاسیدحسین اردبیلی واگذار شده است و در سندی که به تاریخ ۱۲ عقرب، ۷ محرم ۱۳۳۵ ق. از سوی وزارت معارف و اوقاف صادر شده آمده است: «چون جناب آقاسیدحسین اردبیلی در وزارت معارف امتیاز جریده موسوم به «ایران» و اجرای مواد قانون مطبوعات و متمم آن را کتباً ملتزم شده بود. لهنذا وزارت معارف... معزایه را مجاز در طبع و نشر جدیده مزبور می‌نماید... (ن. ک: آرشیو (س. ا. م. ا)، معارف الفه شماره تنظیم (۵۸۰۰۱).

روزنامه ایران از سال ۱۳۰۲ روزانه شد. صاحب امتیاز آن میرزا زین‌العابدین خان رهنما شد و آشیخ یحیی کاشانی تا هنگام وفات یعنی شب دوشنبه ۱۹ اسفند ۱۳۰۸ ش. ریاست هیات تحریریه روزنامه را به عهده داشت. از سال ۱۳۰۵ ش. روزنامه مصور شد. از ۱۳۰۶ ش. مدیریت روزنامه ایران به عهده اتحاد واگذار شد... از سال ۱۳۱۶ که رهنما به عراق تبعید گردید امتیاز انتشار به عبدالمجید موقر ملقب به مترجم‌الممالک واگذار گردید. و ایران بصورت روزنامه بزرگ صبح تهران به سردبیری علی هاشمی حائری درآمد. پس از شهریور ۱۳۲۰ امتیاز مجدداً به زین‌العابدین خان رهنما برگشت و روزنامه به مدیریت حمید رهنما ادامه یافت...

۴۵- مسعود برزین، شناسنامه مطبوعات ایران...، تهران، بهجت، ۱۳۷۱، ص ۶۶ و ۶۷.